

انتقال پایتخت؛ مخالفتان و موافقان

محرر معلی فیروزی، دبیر آموزش و پرورش خدابنده (قیدار)
علی غفاری، دبیر آموزش و پرورش منطقه بزینه رود خدابنده

چکیده

پایتخت یا مرکز سیاسی کشور به محلی اطلاق می شود که در آنجا اقتدار سیاسی تمرکز دارد. برخلاف امپراتوری هایی چون یونان، روم و عثمانی که با داشتن یک پایتخت همیشگی، مراحل مختلف تاریخی خود را پشت سر گذاشته اند. امپراتوری ایران در طول تاریخ طولانی و پرفراز و نشیب خود، پایتخت های متعدد داشته است. تهران، به عنوان پایتخت ایران امروز، در معرض مشکلات متعددی چون آلودگی هوا، ترافیک، خطر وقوع زلزله و... قرار گرفته است. دو دیدگاه برای حل یا کاهش مشکلات تهران وجود دارد: دیدگاه نخست بر مدیریت علمی و تمرکززدایی تأکید می کند و مخالف انتقال پایتخت است؛ دیدگاه دوم بر انتقال پایتخت تأکید می کند.

در این مقاله برآنیم تا روشن سازیم چرا و بر چه مبنایی این دیدگاه ها شکل گرفته اند و هر یک از آن ها چه دلیل یا دلایلی را مطرح می کنند؟

کلیدواژه ها: انتقال پایتخت، تهران، موقعیت جغرافیایی

علی (ع): «اندیشه ها را در تقابل و برخورد با یکدیگر قرار دهید تا درستی و حقیقت زاده شود.»

مقدمه

پایتخت یا مرکز سیاسی دولت به محلی اطلاق می شود که در آنجا اقتدار سیاسی تمرکز دارد و معمولاً محل استقرار سران سه قوه (مجریه، مقننه و قضائیه)، اعضای آن ها و کلیه وزارتخانه ها، ادارات دولتی و سفارتخانه های خارجی است. پایتخت هایی که در طول تاریخ یک ملت همواره نقش فعال داشته اند، معمولاً با به نمایش گذاردن نمادهای تاریخی، فرهنگی و ملی، نسبت به شهرهای دیگر برتری آشکار دارند. البته در کشورهایی که پایتخت، محل خود

را بارها تغییر داده است، ممکن است این ویژگی ها در شهرهایی که زمانی نقش پایتخت را داشته اند، یافت شود (میرحیدر، ۱۳۷۳: ۱۴۳). برخلاف امپراتوری هایی چون یونان، روم و عثمانی که با داشتن یک پایتخت همیشگی، مراحل مختلف تاریخی خود را پشت سر گذاشته اند، امپراتوری ایران در طول تاریخ طولانی و پرفراز و نشیب خود، پایتخت های متعدد داشته است. انتقال پایتخت از شهری به شهر دیگر، هم زمان با گسترش سرزمین و انتقال قدرت از یک قوم به قوم دیگر، امری عادی و متداول بوده است. بیشتر پایتخت ها در مرکز جغرافیایی قوم یا سلسله حاکم و به منظور برخورداری از پشتیبانی آن ها در رویارویی با اقوام دیگری که مدعی بالقوه حکومت بودند، مکان گزینی می شد. در سایر موارد هم تغییر محل پایتخت به منظور نزدیکی به خط مقدم جبهه برای مقابله با دشمن خارجی یا دوری از خطرهای ناشی از تهاجم نظامی دشمن بوده است (همو: ۱۴۹).

با مروری بر تاریخ ایران، از زمانی که به صورت یک واحد سیاسی متشکل بر روی نقشه سیاسی جهان پدیدار شده است، متوجه می‌شویم که شهرهای گوناگونی پایتخت ایران بوده‌اند. نخستین پایتخت رسمی شهر اکباتان (همدان) بوده و آخرین پایتخت و احتمالاً هجدهمین شهری که به عنوان مرکز سیاسی ایران زمین عمل می‌کند، تهران است که ابتدا آقامحمدخان قاجار در سال ۱۲۱۰ ق/ ۱۸۳۲م آن را به عنوان پایتخت برگزید (همو: ۱۵۱).

تهران امروز در معرض مشکلات زیست‌محیطی، اجتماعی، سیاسی، امنیتی، خدمات‌رسانی و غیره قرار گرفته است که شهروندان، مدیران شهری و دولت‌مردان بلندپایه کشور توانایی حل آن را از دست داده‌اند (حافظ‌نیا، ۱۳۸۱: ۲۹۳). لذا دو دیدگاه برای برون‌رفت یا بهبود وضع موجود مطرح است: در دیدگاه نخست برای رهایی از مشکلات پایتخت، انتقال پایتخت مطرح می‌شود. دیدگاه دوم مخالف انتقال پایتخت است و اعتقاد دارد که می‌توان با مدیریت علمی و تمرکززدایی بسیاری از مشکلات تهران را حل کرد یا به حداقل رساند. در این مقاله برآنیم ببینیم که چرا و بر چه مبنایی این دیدگاه‌ها شکل گرفته‌اند و هر یک از آن‌ها چه دلیل یا دلایلی را مطرح می‌کنند؟

دلایل انتخاب تهران به عنوان پایتخت

تهران در قدیم روستایی نسبتاً بزرگ بوده که بین شهر بزرگ و معروف آن زمان، یعنی **شهرری** و کوهپایه‌های البرز قرار داشته است. نخستین بار شاه‌طهماسب صفوی در هنگام گذر از تهران، باغ و بوستان فراوان این منطقه را پسندید و دستور داد تا بارو و خندقی به دورش بکشند. در دوره شاه‌عباس اول، پل، کاخ و کاروان‌سراهای زیادی در تهران بنا شد. بالاخره در دوره حکومت آقامحمدخان قاجار، سرسلسله قاجار، تهران به پایتختی برگزیده شد. عده‌ای عقیده دارند که آقامحمدخان قاجار با در نظر گرفتن عوامل زیر، تهران را به مرکزیت سیاسی - اداری برگزید:

۱. امکان نظارت بر سرحدات شمالی، به‌ویژه منطقه مرزی ایران با روسیه که قوی‌ترین دشمن وی به‌شمار می‌آمد.

۲. نزدیکی به استرآباد، مقر هسته قوم قاجار و قلمرو اجدادش در شمال ایران.

۳. نزدیکی تهران به تنه اصلی ایل قدرتمند افشار در ساوجبلاغ و ایالت خمسه (استان زنجان - شهرستان خدابنده کنونی). ایل افشار دشمن دیرینه ایل قاجار بود.

۴. آقامحمدخان از لحاظ عوامل جغرافیایی و انسانی، جایی بهتر از تهران پیدا نکرد. در اصفهان، خاندان و بزرگان صفوی و عقبه آن‌ها مستقر بودند؛ در شیراز، عقبه زندیه حضور داشت و تبریز از جانب شمال و غرب (نبود عمق راهبردی) تهدید می‌شد. تهران علاوه بر نداشتن چنین عیب‌هایی و نزدیکی به مقر ایل قاجار در گرگان، به قسمت فعال ایل در ورامین نیز نزدیک بود (فیروزی، ۱۳۸۵: ۱۱).

صرف‌نظر از اینکه آقامحمدخان قاجار با چه انگیزه‌هایی تهران را برای مرکزیت اداری و سیاسی حکومت خود انتخاب کرده باشد، می‌توان ویژگی‌های مکانی دیگری را برای تهران برشمرد که احتمالاً

در جلب نظر شاه‌قاجار نیز بی‌تأثیر نبوده است. این ویژگی‌ها که سبب شدند تهران در دوره‌های بعدی نیز موقعیت سیاسی خود را حفظ کند و به صورت یک شهر ملی درآید عبارت‌اند از:

۱. برخورداری از امنیت نسبی در مقابل تهدیدات خارجی. اگر سرزمین ایران را به سه قلمرو ژئواستراتژیک تقسیم کنیم که عبارت‌اند از: الف) قلمرو حاشیه یارین‌لند؛ ب) قلمرو سرزمین میانه یا میدلند که بر منطقه مرتفع و به عبارتی بر اسکلت پیرامونی فلات ایران تطبیق دارد؛ و ج) قلمرو سرزمین مرکزی یا هارتلند (حافظ‌نیا، ۱۳۸۱: ۵۲)، تهران در حاشیه شمال‌غربی هارتلند قرار می‌گیرد.

۲. موقعیت ارتباطی تهران.

۳. موقعیت نظارتی تهران بر مناطق و کانون‌های سیاسی درجه دوی کشور.

۴. برخورداری از پتانسیل‌ها و بنیادهای زیستی از جمله آب‌گوارا، آب و هوای خوب، فضای جغرافیایی گسترده و وجود دشت‌های حاصلخیز (حافظ‌نیا، ۱۳۸۱: ۲۹۱).

در مجموع می‌توان گفت که از لحاظ موقعیت جغرافیایی تهران در شرایط مناسبی قرار دارد، اما از لحاظ مقر نامناسب است (فرید، ۱۳۳۸: ۱۹). به عقیده عده‌ای اگر طبق توصیه برخی از کارشناسان تمهیدات لازم در جهت حفظ جمعیت تهران تا ۴ میلیون نفر و جمعیت کشور تا ۴۰ میلیون نفر به‌عمل می‌آمد، امروز شاهد بسیاری از مشکلات در تهران و کشور نبودیم.

مروری بر تجارب جهانی در انتقال پایتخت‌ها

از آنجا که روند شهرنشینی خصوصاً در دهه‌های پایانی قرن بیستم از رشد بالایی برخوردار بوده است، تحولات بزرگی نیز در عرصه شهرنشینی و توسعه فضایی و کالبدی در مناطق بزرگ شهری به‌ویژه پایتخت‌های جهان رخ داده است. از نظر دسته‌بندی پایتخت و جابه‌جایی آن، کمپبل به مانند هال (۱۹۹۳) پایتخت‌ها را در شش طبقه دسته‌بندی و مصادیق آن‌ها را تعیین کرده است.

جدول ۱: انواع پایتخت‌ها

پایتخت‌های قدیمی (سنتی)	باگوتا، کاراکاس، لندن، مادرید، رم، پاریس
پایتخت‌های جابه‌جا شده	آنکارا، آستانه، لیلونگو
پایتخت‌های از نو بنا شده	آبوجا، برازیلیا، کانبرا، اسلام‌آباد، دهلی نو
پایتخت‌های مرکزی	مسکو، اوتاوا، واشنگتن
پایتخت‌های دوبخشی	آمستردام/هاگو، لاپاز/سوکرا، پرتولیا/بلوم فونتاين/کیپ‌تاون
پایتخت‌های مجمع‌الجزایر	جاکارتا، توکیو
پایتخت‌هایی با قلمرو قدرت واحد	آبوجا، برازیلیا، کانبرا، مکزیکوسیتی، واشنگتن، دهلی نو

علاوه بر انواع فوق به نوع هشتمی به نام **پایتخت هوشمند** نیز می‌توان اشاره کرد. این نوع پایتخت حاصل عصر دیجیتال و نفوذ فناوری ارتباطات و اطلاعات (ICT) در توسعه اقتصادی جوامع است که مالزی و پایتخت آن **پوتراجایا**، در کنار **کوالالامپور**، نمونه‌ای مشخص از آن است.

جدول ۲: کشورهایایی که از سال ۱۹۰۰ میلادی به بعد، پایتخت خود را انتقال داده‌اند

ردیف	کشور	سال	از	به
۱	ترکیه	۱۹۲۳	استانبول	آنکارا
۲	استرالیا	۱۹۲۷	ملبورن	کانبرا
۳	پاکستان	۱۹۵۹	کراچی	اسلام‌آباد
۴	برزیل	۱۹۶۰	ریودوژانیرو	برازیلیا
۵	تانزانیا	۱۹۷۴	دارالسلام	دودما
۶	ساحل عاج	۱۹۸۳	ایبجان	یاموسکرو
۷	مالزی	۱۹۹۲	کوالالامپور	پوتراجایا
۸	آلمان	۱۹۹۹	بن	برلین
۹	قزاقستان	۲۰۰۵	آلماتی	اکمولا (آستانه)

با توجه به مبنای اطلاعاتی جداول ۱ و ۲ و مطالعات انجام‌شده می‌توان به نتایجی به شرح زیر اشاره کرد:

۱. **انتقال پایتخت در همه کشورهای مورد مطالعه با ساختار حکومتی متفاوت (متمرکز و غیرمتمرکز) تقریباً به‌طور یکسان تجربه شده است.** بنابراین انتقال پایتخت سیاسی را نمی‌توان تنها راه تمرکززدایی و کاهش حجم فعالیت در پایتخت دانست (برزیل، پاکستان، ترکیه، آلمان)، زیرا مقوله عدم تمرکز تنها به بحث مکانی مربوط نیست و می‌توان در حوزه‌های اداری (انتقال کارکنان و وظایف دولت به سطوح محلی)، مالی (تفویض منابع مالی و قدرت‌های ایجاد درآمد)، سیاسی (تفویض قدرت‌های تصمیم‌گیری) یا ترکیبی از موارد ذکر شده، شاهد آن بود.

۲. **در همه کشورهای مورد مطالعه، انتقال پایتخت تحت شرایط خاص سیاسی، اقتصادی و تاریخی آن کشور انجام گرفته است.** هرچند نباید از نظر دور داشت که مشابهت‌هایی از ارتباط متقابل و تأثیرپذیری پایتخت‌های جدید بر یکدیگر ملاحظه می‌شوند. انتقال برازیلیا و اسلام‌آباد تقریباً در یک دوره همزمان انجام گرفته و لذا تأثیر انتقال به برازیلیا بر طراحی انتقال به اسلام‌آباد مشهود است.

۳. **هر کشوری دلایل خاص خود را برای انتقال پایتخت دارد.** دلایل عمده انتقال پایتخت را چنین تقسیم‌بندی کرده‌اند: ۱۱ درصد به دلایل سیاسی، مانند آلمان؛ ۴،۵ درصد به دلایل دفاعی مانند برزیل، پاکستان، ترکیه و قزاقستان؛ ۷۸ درصد به دلایل اقتصادی و توسعه منطقه‌ای مانند برزیل، پاکستان، ترکیه، قزاقستان، آلمان و مالزی؛ ۳۳ درصد به دلایل نمادین، مانند آلمان و استرالیا؛ ۳۷ درصد به دلیل مسائل زیست محیطی یا مسائل مربوط به بلاهای طبیعی، مانند برزیل و ۲۲ درصد صرفاً به دلیل نیاز اداری و حکومتی، مانند پاکستان و استرالیا. در برخی موارد، مانند مالزی و آلمان، معادلات و ملاحظات جهانی نیز عامل مهمی در انتقال پایتخت بوده‌اند. به نظر می‌رسد ملاحظات اقتصادی نقش کلیدی در مسئله انتقال پایتخت ایفای می‌کنند.

۴. **در ۸۵ درصد کشورهای مورد مطالعه، موضوع انتقال پایتخت به تصویب مراجع قانونی رسیده است و تنها در کشور ترکیه، به دلیل خاص نظامی و استراتژیک، انتقال پایتخت صورت گرفته است.**

۵. **در همه کشورهای مورد مطالعه، ساخت پایتخت‌های جدید**

با توجه به دسته‌بندی فوق، در قرن حاضر در چند کشور، جابه‌جایی یا انتقال مراکز سیاسی به‌عنوان ضرورتی نوین مطرح شده است. هرچند مباحث جمعیت‌شناختی، جغرافیایی و زیست‌محیطی مبنای بسیاری از دلایل تغییر پایتخت بوده است، اما با نگاهی دقیق‌تر به جابه‌جایی یا شکل‌گیری پایتخت‌های جدید، روشن می‌شود که این قبیل دلایل نمی‌توانند تمام جنبه‌های علت تغییر را نشان دهند؛ زیرا در این صورت، این سؤال مطرح می‌شود که چرا آرژانتین پایتخت خود را از بوئنس آیرس به **کارمن دی پاگانوس** تغییر داده یا چرا کشوری مانند ژاپن پایتخت خود را از توکیو به سندایی یا ناگویا تغییر نمی‌دهد. این در حالی است که توکیو نه به دلیل پایتخت‌بودنش بلکه به دلایلی از جمله موج سوم صنعتی شدن، هزینه حمل و نقل بین‌شهری، تراکم جمعیتی و مزایای ناشی از آن به‌صورت واحد و یکپارچه قدرت می‌یابد و از منافع حاصل از تجمیع بهره‌مند می‌شود. بنابراین مجموعه دلایل رسمی ذکر شده نمی‌توانند به‌تنهایی علت واقعی و کامل تغییر پایتخت باشند و در کنار این مجموعه دلایل، باید به موضوعاتی مانند تغییر پایه‌های قدرت، تغییر نوع تمرکز، شمولیت فرهنگی و غیره نیز توجه شود، زیرا مباحثی مانند منطقه، فرهنگ، نژاد، تمرکز و بی‌طرفی در تصمیم انتقال پایتخت مؤثرند و تصمیم نهایی نتیجه یک سازش سیاسی خواهد بود.

به‌زعم **اندرو و تیلور**، هنگام مطالعه و تصمیم‌گیری با برنامهریزی برای تغییر یا انتقال پایتخت، باید عوامل کلیدی اثرگذار بر کارکرد پایتخت شناسایی و بررسی شوند. چندی از این عوامل عبارت‌اند از: عوامل سیاسی (تمرکز بر قدرت‌های تصمیم‌گیر)، اداری (تمرکز بر وظایف قضایی، قانونگذاری و اجرایی)، فرهنگی و تمرکز بر فعالیت‌های نمادین و حمایت فرهنگی از آن فعالیت‌ها)، اطلاعاتی (تمرکز بر منبع اصلی تصمیم‌گیری) و نمادین (تمرکز بر ارزش‌ها و هنجارها).

علاوه بر عوامل فوق، توجه به آثار عوامل مؤثر دیگر که در سطحی بالاتر قرار دارند، مانند مقر دولت ملی به‌عنوان شهر موفق و زنده و روابط بین‌المللی نیز مهم‌اند.

هرچند به‌زعم **بولد و فانتروی** از میان عوامل مؤثر بر ماهیت و جابه‌جایی پایتخت، نوع حکومت نسبت به سایر عوامل، وزنی قابل توجه دارد. از انواع حکومت و نوع تأثیرگذاری‌شان می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: دولت واحد، مانند فرانسه و کره جنوبی که معمولاً یک شهر اقتصادی مهم دارند. این شهر وظایف پایتخت را انجام می‌دهد.

دولت فدرال، مانند ایالات متحد آمریکا و استرالیا که معمولاً در این نوع از حکومت‌ها پایتخت از شهرهای قدرتمند اقتصادی جدا در نظر گرفته می‌شود.

ایالت مؤتلفه، مانند سوئیس و کانادا که نقش حکمرانی منطقه‌ای به‌شدت به حکومت محلی یا ملی مربوط می‌شود.

در جدول زیر، فهرستی از مجموعه کشورهایایی با ساختارهای متفاوت آمده است که از سال ۱۹۰۰ میلادی به بعد، پایتخت خود را انتقال داده‌اند.

تأثیر قابل ملاحظه‌ای بر زندگی و حیات پایتخت قدیم نداشته و فقط آهنگ رشد را تا حدودی کاهش داده و متعادل ساخته است.

۶. پایتخت‌های جدید عمدتاً محل تمرکز فعالیت‌های سیاسی و حکومتی هستند (اسلام‌آباد، کانبرا، برازیلیا) و این در حالی است که فعالیت‌های تجاری و فرهنگی، اقتصادی و گردشگری در پایتخت‌های قدیم ادامه یافته‌اند. کراچی، سیدنی، ریودوژانیرو، استانبول و آلماتی مثال‌هایی از پایتخت‌های قدیمی هستند که پس از انتقال پایتخت، فرایند رشد همچنان در آن‌ها تداوم دارد. برای مثال، جدول زیر نمونه‌ای مناسب بر این ادعا است.

جدول ۳ رشد پایتخت‌ها

کشور	شهر	۱۹۷۵	۱۹۸۵	۱۹۹۵	۲۰۰۵
برزیل	برازیلیا	۷۸۵	۱۳۴۶	۱/۷۷	۲/۳۸۸
	ریودوژانیرو	۷/۸۷۵	۹/۱۵۶	۹/۸۸۸	۱۱/۴۹۱
پاکستان	سائوپولو	۹/۸۹۰	۱۳/۴۲۷	۱۶/۴۱۷	۲۰/۵۳۱
	اسلام‌آباد	-	-	۳۸۰	۵۳۰
	کراچی	۳/۹۸۳	۶/۳۳۶	۹/۶۳	۱۱/۸۱۹
ترکیه	لاهور	۲/۳۹۹	۳/۴۶۲	۵/۰۸۵	۶/۳۱۹
	آنکارا	۱/۷۰۹	۲/۲۶۱	۲/۸۲۶	۴/۳۱۹
	استانبول	۳/۶۰۱	۵/۴۰۸	۷/۸۱۷	۱۲/۴۵۳

گفتنی است که براساس آمار ثبت‌شده، جمعیت برازیلیا طبق برنامه نباید بیش از پانصد هزار نفر می‌شده، اما گسترش حاشیه‌نشینی در اطراف آن موجب افزایش جمعیت نسبت به برنامه شده است. در ترکیه پایتخت جدید ساخته نشد، بلکه پایتخت از استانبول به آنکارا منتقل گردید.

۷. در اغلب کشورهای مورد مطالعه، ساخت پایتخت جدید ضرورتاً با هدف بهبود شرایط در پایتخت قدیم صورت نگرفته است. به عبارت دیگر، ساخت پایتخت جدید در اکثر کشورها بیشتر نیازی راهبردی به حساب می‌آید. این نیاز برای مالزی اتصال به شبکه‌های ارتباط جهانی و برای استرالیا و پاکستان عمدتاً نیازهای اداری و حکومتی بوده است. با این حال نباید از نظر دور داشت که در تمامی موارد، قدرت سیاسی با حرکت برنامه‌ریزی‌شده و شکل گرفته هماهنگ و همراه بوده است.

بنابراین با توجه به موارد فوق، نمی‌توان تجربه کشورهای دیگر را در ارتباط با انتقال پایتخت، فارغ از دلایل اصلی، مبنایی برای تغییر پایتخت قرار داد، زیرا روابط سازمان‌ها تنها تا اندازه‌ای به وسیله دولت تنظیم می‌شود. دولت به کمک قوانین، مؤسسات اداری، دادگاه‌ها و کمیسیون‌های تنظیم‌کننده، محدوده فعالیت و کنش متقابل سازمان‌ها را تعیین می‌کند و نیز جوامع مختلف از نظر کنترل سازمان‌هایشان با یکدیگر متفاوت‌اند. بنابراین در جوامع دارای نظام‌های اجتماعی-اقتصادی و سیاسی گوناگون نیز کنترل هر دولت بر سازمان‌ها متفاوت است. علاوه بر آن، کنش متقابل سازمان‌ها در جامعه منحصراً به وسیله الگویی تنظیم نمی‌شود و نیازهای هر جامعه متنوع‌تر از آن است که امکان دهد جامعه یا نظامی دیگر

تمام کنش‌های متقابل سازمان‌ها را در قالب یک الگو درآورد. لذا می‌توان چنین اظهار داشت که رابطه بین دو سازمان در هر جامعه‌ای به وسیله یک سازمان بالاتر یا یک چارچوب قانونی تنظیم نمی‌شود. الگوی کنش متقابل در عمل در فرایندهای مبادله، تعارض، همکاری یا چانه‌زنی تعیین می‌شود که همه از عوامل بوم‌شناختی، فرهنگی و قدرت تأثیر می‌پذیرد (نوبری و رحیمی، ۱۳۸۸: ۷).

تجربه انتقال پایتخت در قزاقستان

ششم جولای ۱۹۹۶ میلادی «نورسلطان نظربایف» رئیس‌جمهوری قزاقستان در حالی فرمان انتقال پایتخت را از آلماتی به آستانه صادر کرد که بسیاری از کارشناسان و مقامات دولتی آن را غیر عملی و ناممکن می‌دانستند. زمانی که فرمان انتقال پایتخت صادر شد، قزاقستان در بحران عمیق اقتصادی و اجتماعی به سر می‌برد و بیشتر مردم کشور حتی مقامات دولت به عملی شدن این فرمان اطمینان نداشتند. کمبود اعتبار مالی، هوای سرد و بادهای شدید آستانه از سبب‌های عمده این عدم اطمینان بود. نظربایف نیز بعد از چند سال اظهار داشت: زمانی که درباره انتقال پایتخت تصمیم نهایی را گرفتم، می‌دانستم که همه نفوذ و آبروی سیاسی خود را به گرو می‌گذارم. رئیس‌جمهوری قزاقستان، قرار گرفتن آلماتی در منطقه زلزله‌خیز و نبود زمینه‌های جغرافیایی برای رشد مرکز کشور را از دلایل انتقال پایتخت از آلماتی به آستانه توصیف کرده و گفته بود با انتقال پایتخت به آستانه، مرکز کشور توسعه خواهد یافت. قزاقستان، نهمین کشور جهان از نظر مساحت است. آلماتی پایتخت سابق آن نسبت به چهارده استان دیگر به بیشکک، پایتخت قرقیزستان و همچنین مرز چین نزدیک‌تر است. از این‌رو این شهر به مرزهای سه کشور هم‌جوار قزاقستان بسیار نزدیک است.

آستانه به دلایل امنیتی در مرکز قزاقستان بنا شد و در سال ۱۹۹۸ میلادی به جای آلماتی به عنوان پایتخت قزاقستان معرفی گردید. روس‌ها در ترکیب جمعیتی آستانه درصد بیشتری دارند و این شهر به روسیه نزدیک است و این از مزیت‌های انتقال پایتخت به این شهر به حساب می‌آید. گروه‌هایی از ملی‌گرایان روس در روسیه و داخل قزاقستان نیز خواهان الحاق مجدد شمال قزاقستان به روسیه بودند که انتقال پایتخت به شهری در مرکز کشور و نزدیک به روسیه، باعث شد که تعداد زیادی از قزاق‌ها به این شهر منتقل شوند و این ادعا به خودی خود فراموش شود.

آستانه، پایتخت جدید قزاقستان، در مدت ده سال ساخته شد و اکنون هشتصد هزار نفر از جمعیت شانزده میلیونی این کشور در آن زندگی می‌کنند که پنج درصد جمعیت این کشور است (اخبار ساعت ۲۲، شبکه ۳ سیما ج.ا. ایران، یکشنبه ۱۲ تیر ۱۳۹۰).

برخی از روشن‌فکران قزاق علت اساسی انتقال پایتخت را این‌گونه عنوان کردند که نظربایف می‌خواهد در تاریخ قزاقستان نقش پطرکبیر در روسیه را داشته باشد. همچنان که پطرکبیر با بنیاد سن پترزبورگ، نام خود را جاودانی کرد، نظربایف هم می‌خواهد با

جدول ۴: سابقه، چشم‌انداز و تحولات جمعیت شهر تهران نسبت به جمعیت کل کشور (هزار نفر)

مقطع زمانی (سال شمسی)	جمعیت		نسبت جمعیت به کل کشور (درصد)
	کل کشور	تهران	
۱۳۲۰	۱۴,۳۵۱	۷۰۰	۴/۸۸
۱۳۳۵	۱۸,۹۵۵	۱,۵۰۰	۷/۹۱
۱۳۴۵	۲۵,۷۸۹	۲,۷۰۰	۱۰/۴۷
۱۳۵۵	۳۳,۷۰۹	۴,۵۰۰	۱۳/۳۵
۱۳۶۵	۳۹,۴۴۵	۶,۰۰۰	۱۲/۱۳
۱۳۷۵	۶۰,۵۵۰	۶,۷۵۹	۱۱/۲۵
۱۳۸۵	۷۱,۵۹۰	۷,۸۰۰	۹/۱۹
۱۴۰۰	۱۰۰,۰۰۰	۸,۴۸۰	۸/۴۸

جدول ۵: سابقه، چشم‌انداز و تحولات جمعیت مجموعه شهری تهران نسبت به کل کشور (هزار نفر)

مقطع زمانی	جمعیت کل کشور	جمعیت مجموعه شهری تهران	نسبت جمعیت به کل کشور (درصد)
۱۳۴۵	۲۵,۷۸۹	۳,۴۵۶	۱۳/۴۰
۱۳۵۵	۳۳,۷۰۹	۵,۳۰۰	۱۵/۷۲
۱۳۶۵	۳۹,۴۴۵	۷,۹۳۰	۱۶/۰۳
۱۳۷۵	۶۰,۵۵۰	۱۰,۳۴۴	۱۷/۲۲
۱۳۸۵	۷۱,۵۹۰	۱۲,۹۷	۱۸/۱۳
۱۴۰۰	۱۰۰,۰۰۰	۱۷,۷۰۰	۱۷/۷۰

تهران نسبت به کل کشور، نشان داده شده است.

نگاهی به جدول ۴ نشان می‌دهد که رشد تهران، در فاصله ۲۵ ساله (۱۳۲۰-۱۳۴۵) به دلیل تغییرات بعد از جنگ جهانی دوم و نیز تحول نقش ایران در سطح جهانی و منطقه‌ای، از شدت و سرعت زیادی برخوردار بوده است. این رشد از سال ۱۳۴۵ به بعد، به دلیل اتخاذ سیاست تمرکززدایی از سوی دولت و سرمایه‌گذاری در سایر نقاط کشور در چارچوب برنامه‌های عمرانی پنج‌ساله و ایجاد قطب‌های صنعتی و اقتصادی مهم دیگر (مثل اصفهان، تبریز، اراک، مشهد، اهواز و...) که پس از انقلاب نیز به‌ویژه با تأکید بیشتر بر توسعه مناطق محروم و نواحی روستایی کشور دنبال شد، آهنگ آهسته‌تری پیدا کرده و رو به کاهش گذاشته است. این کاهش، طبق پیش‌بینی‌ها و برآوردها، پیگیری جدی سیاست‌های کنترل جمعیت و تمرکززدایی تا سال ۱۴۰۰ کماکان و به‌صورت چشمگیر ادامه خواهد داشت.

اما برای دستیابی به تصویری مناسب‌تر از تحولات شهری تهران، باید این تحولات را در چارچوب کلی‌تر «منطقه کلان‌شهری یا مجموعه شهری تهران» بررسی کنیم. هرچند تهیه و اجرای طرح جامع تهران و اتخاذ بعضی تدابیر دیگر از نیمه دوم دهه ۴۰، رشد و توسعه را در داخل محدوده قانونی تهران تحت مهار درآورد؛ اما باعث شد که جمعیت به شهرها و اراضی اطراف تهران روی بیاورند، به‌طوری که کرج که در سال ۱۳۴۵ حدود چهار هزار نفر جمعیت داشت، امروز بیش از یک میلیون نفر جمعیت دارد. همچنین رشد جمعیتی اسلام‌شهر و شهرهای قرچک و قدس و ورامین، نمونه‌هایی

ساخت پایتخت جدید، نام خود را جاودانی کند.

در ده سال قبل پیشنهادهایی شده بود که پایتخت جدید را «نورسلطان» نام‌گذاری کنند، ولی نظریات اسم «آستانه» را انتخاب و اعلام کرد تا زمانی که زنده و رئیس‌جمهور است، نام شهر آستانه تغییر نخواهد کرد. افزایش قیمت نفت در بازار جهانی، به قزاقستان امکان داد تا با دعوت از بهترین معماران جهان، شهر آستانه را در زمره زیباترین شهرهای شوروی درآورد.

نظریات تأکید کرده بود که آستانه پایتخت کشور اوراسیاست و به این دلیل در معماری آن دو سبک شرقی و غربی با هم آمیخته شده است. ساختمان‌های اداری، فرهنگی و اجتماعی آستانه هر یک معماری خاص خود را دارند و اثر جالب معماری در آن‌ها مشهود است. ساختمان‌سازی در پایتخت جدید قزاقستان با سرعت ادامه دارد. صدها شرکت داخلی و خارجی، ده‌ها هزار کارگر قزاق، ترک، ازبک، روس، تاجیک، قرقیز و چینی در ساخت بیش از ۶۵۰ مجتمع مسکونی، اداری و تفریحی در این شهر مشغول‌اند. تاکنون برای ساخت آستانه یک تریلیون و ۵۰ میلیارد تنگه (برابر با هشت میلیارد و ۶۰۶ میلیون دلار) سرمایه‌گذاری شده است.

ساخت شهر آستانه به‌طور گسترده تا سال ۲۰۱۲ میلادی ادامه یافت. این شهر دارای طرح‌های زیاد و جالبی است. از جمله، شهرکی موسوم به «چادرخان» که بالای آن پوشیده است. در این شهرک ده هزار نفر زندگی می‌کنند. نظریات قبلاً ضمن معرفی این طرح گفته بود: این شهرک دارای مدارس، بیمارستان، فروشگاه‌ها، تالارهای ورزشی، تئاتر و سینما خواهد بود و ساکنان آن بدون اینکه از آن بیرون بیایند، همه نیازهای خود را تأمین خواهند کرد. این شهرک به‌نوعی روی آب خواهد بود. هیچ خودرویی به آن وارد نخواهد شد و مردم در خیابان‌های آن با قایق رفت و آمد خواهند کرد. یکی از مزیت‌های این شهرک، آن است که ساکنان آن از هوای سرد و بادهای شدید آستانه مصون خواهند بود. یکی از نارسایی‌های آستانه، آب و هوای نامساعد آن و بادهایی است که تقریباً همه‌روزه می‌وزد. با هدف جلوگیری از این بادهای، چند سال قبل از ساخت شهر درخت‌کاری در چهل هزار هکتار از اطراف شهر آغاز شد. آستانه، هم‌اکنون بعد از گذشت پانزده سال از اعلام پایتختی آن، از یک شهرک کوچک و فقیر به یک شهر بزرگ، مدرن و افتخاری برای قزاقستانی‌ها تبدیل شده است.

سابقه اجمالی رشد و توسعه تهران

کشور ما نیز مانند بسیاری از کشورهای از پایان قرن بیستم و سال‌های آغازین قرن بیست‌ویکم تحت تأثیر موضوع انتقال پایتخت بوده است، هرچند تجربه انتقال پایتخت در جهان سابقه‌ای بسیار طولانی در تاریخ تمدن بشر دارد. در جدول‌های بالا سابقه، چشم‌انداز و تحولات جمعیت شهر

از نتایج این سیاست گذاری به شمار می آید.

بنابراین امروز دیگر مسئله، فقط شهر تهران (به معنای مناطق ۲۲ گانه شهرداری) نیست، بلکه مسئله اصلی «مجموعه شهری تهران» است با ده‌ها شهرک اقماری و آبادانی بزرگ و صدها کانون جمعیتی متوسط، کوچک و نزدیک به هم که با یکدیگر در یک نظام سلسله‌مراتبی، ارتباط روزمره دارند و بر هم تأثیر می‌گذارند. هرچند نباید از نظر دور داشت که براساس جدول‌های ۴ و ۵، «آهنگ رشد جمعیت» از سال ۱۳۵۵ به بعد کاهش یافته است و طبق برآوردهای انجام شده و با فرض پیگیری سیاست‌های کنترل جمعیت و تمرکززدایی، سهم تهران از جمعیت کل کشور در پانزده سال، یعنی از سال ۱۳۸۵ تا ۱۴۰۰ تقریباً ثابت خواهد ماند (نوبری و رحیمی، ۱۳۸۸: ۱۳).

مخالفان انتقال پایتخت

تصمیم به انتقال پایتخت همواره واکنش‌ها و مخالفت‌هایی را در پی داشته است. از آن جمله می‌توان به نظر مهدی چمران رئیس شورای اسلامی شهر تهران اشاره کرد. وی معتقد است: اینکه ما مثل بعضی کشورها پایتخت سیاسی را به نقطه‌ای دور از تهران یا نزدیک به آن منتقل کنیم به‌زودی عملی نمی‌شود. از سوی دیگر من در اطراف استان تهران جایی را سراغ ندارم که آب به اندازه کافی داشته باشد و از امکانات زیرساختی و ارتباطات و شرایط جوی مناسب برخوردار باشد و نیز از نظر خطرپذیری زلزله که اتفاقاً یکی از ملاک‌ها و دلایل انتقال پایتخت است، شرایط امن و ایمنی داشته باشد (همشهری، ۱۳۸۹: ۱۷). چمران انتقال پایتخت به سایر شهرهای کشور را غیرممکن می‌داند و معتقد است: هیچ یک از شهرهای کشور شرایط پذیرش پایتخت را ندارد مگر اینکه شهر جدیدی برای این منظور ایجاد شود. وی تأکید می‌کند: پیشنهاد مجمع تشخیص مصلحت نظام، انتقال پایتخت به شهرهای دیگر نبود، بلکه تهیه مکانی مناسب برای فعالیت‌های وزارتخانه‌ها بوده است (ابتکار، ۱۳۸۸: ۳). رئیس کمیسیون برنامه و بودجه شورای شهر تهران نیز طرح انتقال پایتخت را فاقد پشتوانه‌های مطالعاتی دانست و گفت: طرح این موضوع همه پیش‌بینی‌های طرح جامع تهران، برنامه‌های توسعه پنج‌ساله و حتی اداره امور جاری تهران را به هم می‌ریزد. رسول خادم با شتاب‌زده توصیف کردن طرح انتقال پایتخت، آن را موجب تشدید مشکلات پایتخت دانست (خبرگزاری اکونویز ۱۳۸۸).

در مجموع، مخالفان طرح انتقال پایتخت به راهکارهای زیر معتقدند:

۱. بازسازی بافت‌های فرسوده و مقاوم‌سازی تهران با فناوری‌های جدید برای مقابله با زلزله و امیدواری به امکان پیش‌بینی زمان و مکان وقوع زلزله در آینده با توجه به پیشرفت‌های شگرف دانش بشری.
۲. با توجه به اینکه آلودگی هوای تهران یکی از عوامل انتقال پایتخت مطرح می‌شود و در حالی که حدود هشتاد درصد آلودگی هوای آن نیز ناشی از خودروهاست، می‌توان با استفاده از فناوری‌های جدید و تغییر و تبدیل سوخت خودروها بخشی از مشکلات ناشی از آلودگی را برطرف کرد. همچنین با توسعه حمل و نقل عمومی از

جمله مترو و مدیریت یکپارچه شهری می‌توان در جهت کاهش استفاده از خودروهای شخصی اقدام کرد.

۳. توسعه زیرساخت‌ها و بسترسازی‌های لازم برای رسیدن به الگوی دولت الکترونیک.

۴. ادامه سیاست تمرکززدایی با توجه به اینکه با وجود مشکل «مقر»، تهران از موقعیت جغرافیایی بی‌نظیری برخوردار است.

۵. توزیع منطقی و عالمانه صنایع، فعالیت‌های اقتصادی، آموزشی، خدماتی و... در سراسر کشور با توجه به آمایش سرزمین.

۶. با توجه به اینکه تهران در بیش از دو‌یست سال تاریخ اخیر ایران در دوره سه حکومت قاجار، پهلوی و جمهوری اسلامی پایتخت بوده، ویژگی منحصر به فردی را کسب کرده است. از جمله بسیاری از حوادث و رویدادهای تاریخی مشترک ایرانیان در این مکان رقم خورده است. علاوه بر این از لحاظ بافت و ترکیب جمعیتی، تهران همانند درخت پیوندی، تابلوی تمام‌نمایی از ایران (ایران کوچک) است. نگاه ایرانیان داخل و خارج کشور به تهران، یک نگاه هویتی و نماد عینی از ویژگی‌های جغرافیایی و تحولات تاریخی است.

۷. اگر برخی احتمال وقوع زلزله را ضرورت انتقال پایتخت می‌دانند، باید گفت: زلزله یک امر طبیعی است و بسیاری از کشورهای پیشرفته با آن کنار آمده‌اند تا جایی که حتی زلزله‌هایی با بزرگی ۷ ریشتر دیگر تلفات انسانی ندارند. راه حل دنیای پیشرفته برای مقابله با زلزله استفاده از دانش و فناوری است. به‌علاوه اگر قرار بود در کشوری مثل ژاپن از این راه حل استفاده شود، همه شهرهای این کشور باید تخلیه و به نقطه‌ای دیگر از دنیا منتقل می‌شدند (همشهری، ۱۳۸۸: ۸).

۸. با وجود برخی نظرها مبنی بر اینکه تهران هم‌زمان نقش مغز و قلب را برای کشور بر عهده دارد، اگر دچار زلزله شود پیامدهای ناگواری در پی خواهد داشت. همچنین در برخی از کشورها نظیر ترکیه، پاکستان، آمریکا و... که پایتخت سیاسی و اقتصادی از هم جدا شده‌اند باید یادآور شد که در صورت تحقق انتقال پایتخت شاید حدود نیم میلیون نفر از جمعیت تهران کاسته شود، اما این مشکل برای بقیه ساکنان آن همچنان باقی خواهد ماند.

تاریخچه طرح انتقال پایتخت در ایران

برخی سابقه طرح این موضوع را مربوط به قبل از انقلاب می‌دانند و عده‌ای نیز سال ۱۳۶۴ را که مصادف با دو‌یستمین سال پایتخت شدن بود، نخستین زمان طرح این پیشنهاد عنوان می‌کنند. پس از جنگ تحمیلی و در سال ۱۳۳۸ که مسئله تغییر یا انتقال پایتخت به صورت جدی تر مطرح شد، شهرداری تهران، قدم‌هایی در کاهش مشکلات شهر برداشت و بخشی از مشکلات جدی تهران را حل کرد و در نتیجه، مسئله انتقال پایتخت فراموش شد؛ تا اینکه در سال‌های ۱۳۷۷ و ۱۳۷۸ باز وزارت مسکن و شهرسازی این موضوع را مطرح و پیگیری کرد.

در سال ۱۳۷۹ مطالعاتی جامع با عنوان «امکان‌سنجی انتقال مرکز سیاسی از تهران» انجام شد، اما این مطالعات که بر انتقال صرفاً مرکز

سیاسی از تهران تأکید و تمرکز داشت نیز، در همان گام نخست باقی ماند. در سال ۱۳۸۶ جمهوری، وزیر کار و امور اجتماعی دولت نهم، دیگر بار به طرح این موضوع پرداخت و سپس وزیر کشور نیز از این پیشنهاد استقبال و حمایت کرد (حمیدی، ۱۳۸۸: ۵) و بالاخره با وقوع زلزله ۴ ریشتری در ۲۵ مهرماه ۱۳۸۸ در جنوب تهران (پاکدشت) مجمع تشخیص مصلحت نظام با درک اهمیت موضوع، تصمیم بزرگی گرفت که براساس مصوبه مجمع در جلسه شنبه ۹ آبان ۱۳۸۸ مرکز سیاسی کشور برای بهبود و اصلاح استقرار جمعیت باید تا پایان چشم‌انداز (۱۴۰۴) به مکان مناسب انتقال یابد (فیروزی، ۱۳۸۸: ۳). محمد هاشمی عضو مجمع تشخیص در این خصوص می‌گوید: منظور از انتقال مراکز سیاسی، جابه‌جایی دفاتر اصلی قوای سه‌گانه و ساختارهای دولتی است. البته این تصمیم نیز اگر بدون آنکه از دید جغرافیای سیاسی عمیقاً مطالعه شود و به اجرا درآید، بازتاب‌های سوء و مصائب جدیدی را پدید خواهد آورد (حافظ‌نیا، ۱۳۸۱: ۲۹۳).

دلایل انتقال پایتخت از تهران

طرفداران انتقال پایتخت دلایل زیادی برای انتقال از تهران مطرح می‌کنند که به مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌کنیم:

۱. **احتمال وقوع زلزله:** ایران از جمله کشورهای زلزله‌خیز جهان است و بیش از ۹۰ درصد مناطق آن روی نوار زلزله واقع شده‌اند. کلان‌شهر تهران نیز نه تنها از خطر زلزله ایمن نیست، بلکه سال‌هاست که در انتظار زلزله‌ای ویرانگر با قدرت بالای ۷ ریشتر به سر می‌برد. براساس مطالعات آماری و زلزله‌هایی که پیش از این در ناحیه ری و تهران ثبت شده، با احتمال بیش از ۷۰ درصد به‌طور متوسط هر ۱۵۸ سال زلزله‌ای ویرانگر در این ناحیه رخ داده است. به عبارتی، دوره بازگشت زلزله‌های تهران در حدود ۱۵۰ تا ۲۰۰ سال است و به دلیل اینکه از آخرین زلزله نیرومند بیش از ۱۷۰ سال گذشته، احتمال وقوع زلزله در تهران قوی است.

کارشناسان معتقدند، عامل اصلی وقوع زلزله در تهران وجود پانزده گسل در این منطقه است که سه گسل آن‌ها هر یک به تنهایی پتانسیل ایجاد زلزله‌ای با قدرت بیش از ۷ ریشتر دارد. آنان بر این باورند، در صورت وقوع زلزله در این کلان‌شهر که حدود ده میلیون نفر ساکن دارد و مرکز سیاسی، اقتصادی و فرهنگی کشور به حساب می‌آید، فاجعه‌ای بزرگ رخ خواهد داد (مهدوی، ۱۳۸۷: ۵).

با توجه به بافت‌های فرسوده تهران و آسیب‌پذیری آن‌ها در مقابل زلزله، عده‌ای از کارشناسان معتقدند بافت شهر تهران از دویست سال پیش شکل گرفته و اکنون هیچ شهرداری نمی‌تواند حریف این شهر شود. بنابراین باید در مکانی دیگر پایتخت را بنا کنند و شهری جدید با دانش روز دنیا ساخته شود، زیرا تهران فعلی با دانش دویست سال پیش پایه‌ریزی شده است، در صورتی که اگر قصد ایمن شدن در برابر زلزله را داریم باید با فناوری روز، پایتخت کشور یعنی قلب ایران را بسازیم. این کارشناسان با اشاره به تلفات و خسارات بسیار سنگین زمین‌لرزه یک دهه قبل در پایتخت هائیتی،

رخداد این زمین‌لرزه طبیعی را هشدار برای توجه جدی به خطر زلزله احتمالی در تهران می‌دانند (عکاشه، ۱۳۸۸: ۳). حتی برخی با اشاره به اشغال کشور هائیتی به‌دست نیروهای نظامی آمریکا به بهانه کمک‌رسانی، هشدار می‌دهند که هنگام وقوع زلزله هرگونه حوادث طبیعی در پایتخت، باید مراقب کارهای غیرانسانی دشمن در کمین‌نشسته و فرصت‌طلب بود (زارعی، ۱۳۸۸: ۲).

رئیس مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام (رئیس‌جمهور فعلی) نیز معتقد است یکی از راهکارهایی که می‌تواند مشکلات تهران را حل کند، خروج مرکزیت سیاسی از تهران است و اخیراً هم مجمع تشخیص مصلحت نظام این مسئله را تصویب کرده، یعنی در سیاست‌های کلی آمایش سرزمین تصویب شده است که پایتخت و مرکزیت سیاسی از تهران بیرون برود. وی تأکید می‌کند بعد از اینکه مرکزیت سیاسی از تهران رفت، مسئولان باید به فکر باشند که تهران را مقاوم‌سازی کنند، چون اگر وضعیت به همین شکل باقی بماند، وقوع یک زلزله در تهران بسیار خطرناک است.

مرتضی تمدن، استاندار تهران نیز با اشاره به زلزله اسفندماه ۱۳۸۹ ژاپن معتقد است: زلزله تهدیدی جدی برای تهران است و باید از حادثه‌ای که در کشور ژاپن به‌وقوع پیوست درس گرفت. وی می‌گوید: کاهش خطرپذیری حوادث غیرقابل پیش‌بینی برای تهران از جمله زلزله بسیار اهمیت دارد و این موضوع به‌طور جدی در دستور کار دولت قرار گرفته است. ایشان تأکید می‌کنند، کشوری که خود را تجهیز کرده و مدعی بود که در برابر زلزله، قلعه نفوذناپذیر است این گونه در هم کوبیده شد، پس باید هوشیار بود که زلزله چه بلایی سر تهران خواهد آورد (روزنامه ابتکار، ۱۳۹۰).

۲. **آلودگی هوا:** سه عامل مهم آلودگی هوای تهران عبارت‌اند از: دود ناشی از انواع سوخت‌ها، موقعیت جغرافیایی و کمی بارندگی (شایان، ۱۳۸۸: ۸۰). گفته می‌شود که استان تهران ۴۵ درصد خودروهای کشور را در خود دارد (اطلاعات، ۱۳۸۷: ۴). روزانه در تهران ۱۲۰۰ تا ۱۴۰۰ خودرو شماره‌گذاری می‌شوند و هشتاد درصد آلودگی هوای تهران نیز ناشی از خودروهاست. از سوی دیگر، وضعیت جغرافیایی و اقلیمی تهران به گونه‌ای است که در بیش از ۲۶۵ روز سال پایداری هوا و بین ۱۰ تا ۲۵ روز وارونگی هوا را شاهدیم. این امر موجب تشدید آلودگی هوا می‌شود (پیراسته، ۱۳۸۴: ۱). جدیدترین بررسی‌های سازمان بهداشت جهانی نشان می‌دهد که تهران یکی از آلوده‌ترین شهرها و پایتخت‌های جهان است به طوری که هر دقیقه تنفس در تهران برابر با کشیدن نه‌نخ سیگار است. خطر آلودگی هوای تهران ۳۸ برابر استاندارد جهانی است و بحرانی بودن هوای این شهر زنگ‌های خطر را برای مسئولان به صدا درآورده است (مهدوی، ۱۳۸۸: ۵).

محمدباقر قالیباف، شهردار تهران، آلودگی هوای تهران را چالشی بزرگ دانسته و با اشاره به بحران اخیر آلودگی هوای تهران گفته است: نزدیک به هشتاد روز از ابتدای سال تاکنون، هوای تهران در شرایط ناسالم قرار داشته که ۳۴ روز آن در وضعیت هشدار و اضطراب بوده است (اطلاعات، ۱۳۸۹: ۱). در همین باره، رئیس دفتر محیط و کار وزارت بهداشت نیز گفت که تهران در سال ۱۳۸۹ بیش

از ۳۱۸ روز هوای ناسالم داشته است (ضیایی پرور، ۱۳۹۰: ۱۶).

در یک پژوهش انجام شده در ارتباط بین عناصر اقلیمی چون دما، فشار، رطوبت نسبی، آلاینده‌های جوی و ذرات معلق و فوت‌شدگان بیماری‌های قلبی شهر تهران نشان می‌دهد که بین این دو، همبستگی معناداری وجود دارد. هر جا که با کاهش دما و متعاقب آن با افزایش روبرو بوده‌ایم، تعداد فوت‌شدگان بیماری‌های قلبی نیز افزایش داشته است. به عبارتی، تعداد فوت‌شدگان بیماری‌های قلبی در ماه‌های سرد سال (پاییز و زمستان) افزایش و در ماه‌های گرم سال (بهار و تابستان) کاهش می‌یابد (محمدی، ۱۳۸۵: ۴۷).

از مشکلات دیگر تهران، می‌توان به ترافیک، کمبود آب، مشکلات حاشیه‌نشینی، افزایش جمعیت و مهاجرت، افزایش جرم و جنایت و... اشاره کرد.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

در فرایند انتقال و مکان‌گزینی پایتخت‌های سرزمین ایران، عواملی چون خاستگاه قومی، موقعیت مکان مرکزی (هسته‌ای) و تهدیدات خارجی به‌عنوان واقعیت‌های ژئوپلیتیکی تأثیرگذار نقش بسزایی داشته‌اند (احمدی و ولی‌قلی‌زاده، ۱۳۸۶: ۲۹).

در حال حاضر نیز، وجود مشکلات متعدد در مرکز سیاسی ایران (تهران) باعث شده است که همواره دو دیدگاه در مقابله با این مشکلات مطرح باشد: در دیدگاه نخست اعتقاد بر این است که با مدیریت یکپارچه و کارآمد از جمله استفاده از فناوری‌های جدید (دولت و شهر الکترونیکی) و تمرکززدایی، می‌توان بر بسیاری از مشکلات تهران غلبه کرد.

طرفداران دیدگاه دوم با توجه به مشکلات موجود و حتی تشدید آن‌ها و از همه مهم‌تر احتمال وقوع زلزله، بر این باورند که باید پایتخت به مکان مناسبی انتقال یابد. البته با مصوبه مجمع تشخیص مصلحت نظام در ۹ آبان ۱۳۸۸ این دیدگاه مورد تأیید قرار گرفته است. به نظر می‌رسد تهران به‌عنوان مغز متفکر و قلب تپنده کشور در برابر زلزله بسیار آسیب‌پذیر است و در این تصمیم‌گیری یکی از دو نقش اساسی پایتخت یعنی مرکز سیاسی به منزله مغز برای مدیریت زلزله احتمالی و سایر مشکلات انتقال می‌یابد. اما با توجه به تجارب کشورهای نظیر ترکیه و پاکستان، انتقال پایتخت تأثیر چندانی در حل مسائل و مشکلات تهران نخواهد داشت و شاید تا حدودی از تشدید مشکلات آن بکاهد. به‌هر حال مزایای انتقال پایتخت از تهران تنها به موضوع فرار از زلزله یا برای رفع مشکلاتی نظیر آلودگی، ترافیک و... مربوط نمی‌شود، بلکه باید به جنبه‌های دیگر روان‌شناختی، سیاسی، اقتصادی و بسیاری از ابعاد و تبعات دیگر هم توجه داشت. با این حال تصمیم‌سازان و تصمیم‌گیران می‌توانند با دید علمی و استفاده از تجارب دیگر ملت‌ها که در فرهنگ ما هم بدان توصیه شده است [(به دانش توان حل مشکل نمود، ز دریا رهی سوی ساحل نمود) یا به توصیه حضرت علی(ع) که فرمودند: «دانش بهترین راهنماست یا عاقل کسی است که از تجربه پند گیرد»] عمل کنند و آن را سرلوحه کار خویش قرار دهند تا کشور را به سرمنزل مقصود رهنمون سازند.

منابع

۱. احمدی، زهرا و ولی‌قلی‌زاده، علی (۱۳۸۶): تبیین عوامل مؤثر در مکان‌گزینی پایتخت‌ها در ایران؛ فصل‌نامه ژئوپلیتیک، سال سوم، شماره سوم، پاییز ۱۳۸۶.
۲. اخبار ساعت ۲۲، شبکه ۳، سیما ج.ا.ایران، یکشنبه ۱۲ تیر ۱۳۹۰.
۳. پیراسته، محمدحسن؛ مدیرکل حفاظت محیط‌زیست استان تهران؛ روزنامه ایران، شماره ۳۳۰۵، پنجشنبه ۱۹ آبان ۱۳۸۴.
۴. تجارب انتقال پایتخت در جهان؛ روزنامه اطلاعات، شماره ۲۴۴۵۱، شنبه ۵ اردیبهشت ۱۳۸۸.
۵. تهران پایتخت می‌ماند...؛ روزنامه همشهری، شماره ۵۰۹۱، یکشنبه ۲۲ فروردین ۱۳۸۹.
۶. چمران، مهدی؛ انتقال پایتخت ممکن نیست؛ روزنامه ابتکار، شماره ۱۷۱۲، یکشنبه ۲۳ اسفند ۱۳۸۸.
۷. حافظ‌نیا، محمدرضا؛ جغرافیای سیاسی ایران؛ چاپ اول، تهران: سمت، ۱۳۸۱.
۸. حافظ‌نیا، محمدرضا؛ رابطه متقابل امنیت و دفاع با آمایش سرزمین؛ مجموعه مقالات آمایش سرزمین و دفاع سرزمینی، چاپ اول، دانشگاه امام حسین، ۱۳۸۱.
۹. حمیدی، بنت‌الهدی؛ صورت مسئله را پاک نکنیم؛ روزنامه اطلاعات، شماره ۲۴۴۵۰، پنجشنبه ۱۳ اردیبهشت ۱۳۸۸.
۱۰. خبرگزاری اکونویز، ۱۲ آبان ۱۳۸۸.
۱۱. زارعی، مجتبی؛ آمریکا، زلزله‌هاییتی و مدیریت ایرانی بحران؛ روزنامه ایران، شماره ۴۴۱۸، یکشنبه ۴ بهمن ۱۳۸۸.
۱۲. زلزله تهران و نقش دانش و فناوری؛ روزنامه همشهری، شماره ۵۳۰۸، سه‌شنبه ۱۴ دی‌ماه ۱۳۸۹.
۱۳. شاپان، سیاوش و دیگران؛ جغرافیا؛ کتاب درسی سال دوم آموزش متوسطه، وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۸۸.
۱۴. ضیایی‌پرور، حمید؛ ۳۱۸ روز هوای ناسالم برای تهران؛ روزنامه همشهری، شماره ۵۴۳۶، شنبه ۴ تیر ۱۳۹۰.
۱۵. عکاشه، بهرام؛ تهران باید تخلیه شود؛ روزنامه ابتکار، شماره ۱۶۷۶، دوشنبه ۵ بهمن ۱۳۸۸.
۱۶. عکاشه، بهرام؛ زلزله ۷ ریشتری، تهران را ده سال تعطیل می‌کند؛ هفته‌نامه امید جوان، شماره ۶۴۹، شنبه ۲ آبان ۱۳۸۸.
۱۷. فرید، یدالله؛ جغرافیا و شهرسازی؛ تبریز: دانشگاه تبریز، ۱۳۶۸.
۱۸. فیروزی، محرمعلی؛ فرصت‌ها و چالش‌های جغرافیای امنیتی تهران؛ رشد آموزش جغرافیا، شماره ۷۷، زمستان ۱۳۷۵.
۱۹. فیروزی، محرمعلی؛ انتقال پایتخت به واقعیت می‌پیوندد؛ هفته‌نامه بیان خداینده، شماره ۵۴، سه‌شنبه ۱۳ آبان ۱۳۸۸.
۲۰. قالیباف، محمدباقر (شهردار تهران)؛ روزنامه اطلاعات، شماره ۲۴۹۵۲، شنبه ۲ بهمن ۱۳۸۹.
۲۱. محمدی، حسین؛ ارتباط عناصر اقلیمی و آلاینده‌های هوای تهران با مرگ و میرهای ناشی از بیماری‌های قلبی (دوره مطالعاتی ۲۰۰۳-۱۹۹۹)؛ فصلنامه پژوهش‌های جغرافیایی، شماره ۵۸، زمستان ۱۳۸۵.
۲۲. میرحیدر، دره؛ مبانی جغرافیای سیاسی؛ چاپ سوم، تهران: سمت، ۱۳۷۳.
۲۳. مهدوی، بیتا؛ برای مقابله با زلزله آماده باشیم؛ روزنامه اطلاعات، شماره ۲۴۳۷۰، پنجشنبه ۵ دی ۱۳۸۷.
۲۴. مهدوی، بیتا؛ هر دقیقه تنفس در تهران مساوی با کشیدن نه نخ سیگار؛ روزنامه اطلاعات، شماره ۲۴۶۸۵، دوشنبه ۱۹ بهمن ۱۳۸۸.
۲۵. نوبری، نازک و رحیمی، محمد؛ تحلیلی بر موضوع انتقال پایتخت سیاسی کشور؛ دانش شهر، شماره ۵، دی‌ماه ۱۳۸۸.
۲۶. هشدار استاندار تهران درباره زلزله؛ ایران باید از زاین درس بگیرد؛ روزنامه ابتکار، شماره ۲۰۰۳، سه‌شنبه ۲۳ فروردین ۱۳۹۰.

27. <http://www.khabaronline.ir>
28. armaanins.blogfa.com
29. <http://fa.wikipedia.org>
30. <http://www.mardomsalari.com>